

برگزیده تحولات سیاسی جهان

نویسنده : مائده ارکان

پیامدهای مرگ بن لادن

واکنش پاکستان و القاعده: مرگ بن لادن توسط کموندوهای آمریکایی روابط اسلام آباد - واشینگتن را وارد مرحله جدیدی کرده است. پاکستان این اقدام آمریکا را دخالت در حاکمیت ملی کشورش دانسته و به این امر اعتراض نموده. برخی از تحلیل گران این گونه عملیات را نوعی "قمار" دانسته اند که برد و باخت آن می تواند برای رئیس جمهور آمریکا و یا حزب حاکم سرنوشت ساز باشد.

خبر کشته شدن اسامه بن لادن، رهبر گروه سیاسی - نظامی القاعده در دوم ماه می توسط کموندوهای ایالات متحده آمریکا در خانه ای در ابیت آباد پاکستان توسط رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما به اطلاع جهانیان رسید. وی طی یک نطق تلویزیونی اعلام کرد که آمریکا طی عملیاتی در پاکستان اسامه بن لادن رهبر شبکه القاعده و عامل حملات یازدهم سپتامبر را کشته است و جسدش را در اختیار دارد. خبر مرگ این تروریست جهانی و عامل حملات ۱۱ سپتامبر با واکنش های متفاوتی در جهان روبرو شد. آصف علی زرداری، رئیس جمهور پاکستان، این عملیات را نتیجه یک دهه همکاری مشترک میان آمریکا و پاکستان دانست و هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، کشته شدن بن لادن توسط نیروهای آمریکایی را نقطه عطفی در مبارزه با تروریسم اعلام کرد. وی گفت که این مبارزه هنوز به پایان نرسیده است. اما حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات ایران اظهار داشت که ادعای آمریکا در مورد کشتن اسامه بن لادن، ادعایی بی جا است که برای تحت الشعاع قرار دادن "بیداری اسلامی" در منطقه بیان شده است. این در حالی است که شبکه پیچیده القاعده مرگ بن لادن را تأیید کرده است. در بیانیه ای که وب سایت گروه های اسلام گرا منتشر کرده اند اخطار داده شده که خون اسامه بن لادن مثل یک نفرین، آمریکایی ها و مأموران شان را دنبال می کند و آنها را هر جا که باشند گرفتار خواهند کرد. شادی آنها را تبدیل به یأس می کند و اشک آنها را به خودشان آغشته می شود. در این بیانیه از مردم مسلمان پاکستان که بن لادن در خاکشان کشته شده است، خواسته شده که قیام کنند.

"اسامه بن محمد بن عوض بن لادن" که متولد عربستان و ۵۴ ساله بود حملات تروریستی بسیاری را در جهان رهبری می کرد. از جمله بمب گذاری سفارتخانه های آمریکا در دارالسلام (تانزانیا) و نایروبی (کنیا)، حمله به کشتی جنگی یواس اس کول و حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون. وی که در سال ۱۹۹۸ علیه تمام امریکائی ها در جهان اعلام جنگ کرد نزدیک به ده سال تحت تعقیب پلیس فدرال آمریکا قرار داشت و بالاخره توسط کموندوهای آمریکایی کشته شد.

بن لادن که دارای ۵۰ خواهر و برادر، ۵ همسر و حداقل ۲۰ فرزند می باشد به مدت ۶ سال در ویلایی در ابیت آباد پاکستان مخفی بود. در این محل هیچ گونه وسائل ارتباطی از جمله تلفن و اینترنت وجود نداشته و رهبر گروه تروریستی القاعده برای آن که بتواند به اشخاص مورد نظر خود ایمیل ارسال کند، مطلب را بر روی کامپیوتر خانگی خود تایپ کرده و سپس نسخه ای از آن را بر روی یک حافظه فلش کوچک ضبط می کرد. وی پس از انجام این کار حافظه فلش را به یکی از قاصدان مورد اعتماد خود می داد تا به یک کافی نت دور از محل اقامتش رفته و پیام های رهبر القاعده را به آدرس مورد نظر ایمیل کند. مقامات آمریکایی می گویند فقدان هرگونه خدمات اینترنتی و ارتباطی در این ویلای یک میلیون دلاری در منطقه ای ثروتمندنشین خود باعث شد که نیروهای آمریکایی به این مکان مشکوک شوند و بیش از پیش این ویلا را زیرنظر بگیرند. از طرف دیگر واشنگتن اعلام کرد که اطلاع از محل اختفای بن لادن از طریق جاسوس های انسانی و یا از طریق بازجویی و محاکمه اعضای القاعده در گوانتانامو صورت گرفته است.

کشتن اسامه بن لادن توسط ارتش آمریکا منجر به جنگ داخلی میان اسلام آباد و واشنگتن شده است. مقامات پاکستانی که ورود هلی کوپترهای آمریکایی را به خاک کشورشان نقض حاکمیت ملی خود دانسته، اعلام کرده اند که هیچ گونه اطلاعی از این عملیات نداشته اند. این در حالی است در ویلایی که بن لادن در آن حضور داشته و زندگی می کرده در نزدیکی یک کالج نظامی پاکستان بوده است که مجهز به پدافندهای هوایی بسیار حساس می باشد. به این ترتیب این سؤال برای افکار عمومی جهان به وجود آمده که چگونه ارتش پاکستان از این مکان اطلاعی نداشته و متوجه حضور هلی کوپترهای آمریکا در آسمان این کشور نشده است. البته باید گفت که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان همیشه متهم به ارتباط با طالبان و القاعده بوده. در همین راستا برخی از تحلیل گران معتقد هستند که حمایت پاکستان از طالبان یک حمایت استراتژیک است. افغانستان عمق استراتژیک پاکستان محسوب می شود به این دلیل که اسلام آباد به افغانستان به دید مقابله با هندوستان می نگرد لذا نمی خواهد در افغانستان دولت مستقل و قدرتمندی به وجود بیاید لذا حضور القاعده در این کشور با حمایت پاکستان روبرو است.

در همین راستا، لئون پانتا، رئیس سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) در گفت و گو با نشریه تایمز گفته است که سرویس اطلاعاتی پاکستان قابل اعتماد نبوده به همین دلیل درباره عملیات کشتن بن لادن واشنگتن اطلاعاتی به اسلام آباد نداده است. اما یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان، ضمن ایراد سخنانی در پارلمان این کشور اتهامات وارد به سازمان اطلاعاتی ارتش پاکستان (ISI) را مبنی بر بی کفایتی و همکاری با شبکه القاعده رد کرد. وی همچنین اظهار داشت که حمله ایالات متحده آمریکا به پاکستان نقض حاکمیت ملی پاکستان است و افزود که در دوران اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق؛ آمریکا به ایجاد شبکه القاعده کمک کرده است. به این ترتیب منظور زرداری این است که القاعده خود توسط آمریکایی ها به وجود آمده و اکنون به مقابله با آن پرداخته اند. آیاکشتن بن لادن توسط آمریکا بر روابط اسلام آباد - واشنگتن تأثیر خواهد گذاشت یا خیر. لازم به یاد آوری است که واشنگتن و اسلام آباد با یکدیگر همکاری های اطلاعاتی و اقتصادی و سیاسی دارند و با یکدیگر پیمان

های اطلاعاتی به امضارسانده اند. به نظر نمی رسد آمریکا این گونه کمک هایش را به پاکستان قطع کند. به این دلیل که رابطه نزدیک و استراتژیک با پاکستان در راستای منافع واشینگتن می باشد و مرگ بن لادن امکان افزایش کمک های مالی و اقتصادی آمریکا را به پاکستان تشدید خواهد کرد. اما از طرف دیگر اسلام آباد نگران استقرار پایگاه های نظامی بلند مدت در افغانستان می باشد. یوسف رضا گیلانی نارضایتی خود را از این گونه پایگاه ها اعلام کرده. البته ایران هم در این رابطه ابراز نگرانی کرده است.

مرگ بن لادن اعتبار سیاسی باراک اوباما را در دوران انتخابات ریاست جمهوری اش افزایش داد. براساس یک نظر سنجی تعداد قابل توجهی از مردم آمریکا نظرشان نسبت به اوباما بهبود یافته است لذا کشتن بن لادن می تواند موفقیتی برای وی و حزبش (دموکرات) در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا باشد. کشتن این تروریست موقعیت حزب دموکرات آمریکا را که در مسائل دفاعی از حزب جمهوری خواه ضعیف تر بود بهبود بخشیده است البته گرچه برخی معتقدند کشتن بن لادن توسط کموندوهای امریکائی به غیرقانونی بوده است. ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از آمریکا خواسته است که اطلاعات مربوط به این عملیات و چگونگی کشته شدن بن لادن را به سازمان ملل بدهد. این مقام سازمان ملل تأکید کرده که در هرگونه عملیاتی حتی برای مقابله با تروریست ها، قوانین بین المللی باید رعایت شود. مخالفان این عملیات کموندویی معتقد هستند که بن لادن مسلح نبوده و نمی توانسته از خودش دفاع کند. به این ترتیب رهبر یکی از خشن ترین و پیچیده ترین گروه های تروریستی جهان توسط ارتش آمریکا به هلاکت رسید که بی شک ضربه محکمی بر ساختار پیچیده این گروه تروریستی وارد آمد. اما با مرگ بن لادن گروه تروریستی القاعده به این زودیه ها از بین نخواهد رفت. بطوریکه اکنون این گروه به دنبال انتقام گیری از خون رهبرشان هستند.

اتحاد دو گروه فلسطینی

توافق نامه صلح میان حماس و فتح: امضاء قرارداد صلح میان دو جنبش اسلامی فلسطینی؛ روابط گروه های فلسطینی را وارد مرحله جدیدی کرده است. این توافق نامه که به نظر می رسد تحولات سیاسی کشورهای عرب خاور میانه در شکل گیری آن موثر بوده است راه را برای تشکیل دولت وحدت ملی هموار می کند.

توافق برای رسیدن به صلح میان دو جنبش فتح و حماس که پس از گذشت چهار سال از آغاز گفت وگوهای ملی به میزبانی قاهره به نتیجه رسید نمایندگان ۱۰۸ گروه فلسطینی و سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد؛ اتحادیه عرب و اتحادیه اروپا در آن حضور داشتند. آمریکا هیچ نماینده ای به این نشست نفرستاد. این توافق میان خالد مشعل (رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی) و محمود عباس (رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین) به امضاء رسید. امضاء این قرارداد که با میانجیگری مصر صورت گرفت با واکنش مثبت جامعه جهانی روبرو شد. به این دلیل که این توافق راه را برای مصالحه ملی در فلسطین باز می گذارد و امید برای تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی هموار می شود.

حماس و فتح پس از پنج سال اختلاف به پای میز مذاکره رفتند. شکاف میان این دو گروه فلسطینی پس از پیروزی حماس در سال ۲۰۰۶ میلادی در انتخابات پدیدار شد و با شدت گرفتن خشونت ها اختلافات این دو عمیق گشت. غزه تحت کنترل حماس در آمد و کرانه باختری تحت کنترل فتح. این مساله باعث شد اسرائیل از شکاف میان گروه های فلسطینی استفاده کند و در روند مذاکرات صلح اخلاص ایجاد کند. به نظر می رسد ادامه ساخت و ساز شهرک های اسرائیلی در مناطق اشغالی در راستای همین هدف بود. اکنون اسرائیل در واکنش به توافق صلح میان حماس و فتح برای تشکیل یک دولت ائتلافی اعلام کرد مقام های تشکیلات خودگردان فلسطینی باید میان صلح با اسرائیل و صلح با حماس یکی را انتخاب کنند و نمی توان هم با حماس و هم با اسرائیل صلح کرد به این دلیل که حماس خواهان نابودی اسرائیل است و این موضوع را صریحا اعلام کرده است.

این در حالی است که محمود عباس اظهار داشت که فلسطینی ها صفحه سیاه "اختلافات" را ورق زدند و اسرائیل باید میان شهرک سازی و صلح یکی را انتخاب کند و حماس منجی ملت فلسطین است. فلسطینی ها به کسی اجازه نمی دهند که در امور داخلی آنها دخالت کنند. در همین راستا خالد مشعل اعلام کرد حماس آماده پرداخت هر هزینه ای برای تحقیق آشتی ملی است و این جنبش خواستار تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی دارای حاکمیت در کرانه باختری و غزه است.

در راستای امضای سند صلح میان فتح و حماس؛ بنیامین نتانیاهو (نخست وزیر اسرائیل) در سفری که به لندن داشت اعلام کرد هدفش از این سفر جلب حمایت اروپا علیه دولت وحدت فلسطینی و ترغیب شرکای اروپایی اسرائیل به تحریم اقتصادی دولت جدید فلسطینی است.

توافق نامه صلح میان اسرائیل و فلسطین شامل ۵ سرفصل کلی از جمله انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات پارلمان و امنیت می باشد. که هر یک از دو طرف باید برای رسیدن به آنها تلاش کنند. قرار است پس از امضای این توافق نامه رایزنیها برای تشکیل یک دولت ملی آغاز شود و اعضای کمیته عربی به ریاست برخی مسئولان مصر برای اجرای این توافق نامه و از میان برداشتن هر گونه موانع فرا روی اجرای بندهای آن بحث کنند. البته به نظر جاناتان هد، خبرنگار بی بی سی در قاهره، مشکلاتی از قبیل چگونگی تقسیم کنترل امنیتی سرزمین فلسطین و حکومت نوار غزه و کرانه باختری رود اردن و همین طور شناسایی حماس توسط مجامع بین المللی بر توافق سایه افکنده است. اما به به نظر می رسد گام اولیه و مهم که از آن به عنوان یک زلزله سیاسی یاد می شود برداشته شده و ضربه شدیدی به رژیم اشغالگر قدس وارد آمده است. البته لازم به یاد آوری است که امضای قرارداد صلح به این معنا نیست که در ماهیت فکری این دو جنبش تغییری ایجاد شده و تمام اختلافاتشان حل و فصل شده است. حماس و فتح به این نتیجه رسیدند که دوگانگی در حاکمیت فلسطین باعث تضعیف فلسطینیان شده لذا به نفع هیچ یک از طرفین نیست که این اختلافات ادامه یابد پس بهتر است برای تشکیل یک دولت فلسطینی در برابر اسرائیل متحد شوند تا این کشور تضعیف گردد و در جهان حرفی برای گفتن نداشته باشد. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که این توافق در شرایطی حاصل شد که سالها درگیری بین طرفین فلسطینی باعث

تضعیف آنها به لحاظ سیاسی و از بین رفتن صد ها تن از نیرو های طرفین در درگیری های خشونت بار و سرکوب شده است (به نقل از سایت خبرآن لاین). بنابراین دو گروه فلسطینی فتح و حماس تصمیم گرفتند با یکدیگر صلح نمایند تا یک کشور مستقل فلسطینی را تشکیل دهند و جغرافیای سیاسی خاورمیانه را تغییر دهند.

اما علت اینکه چرا اکنون این دو جناح فلسطینی پس از چند سال اختلاف این قرارداد را امضا کردند چیست؟ ۱- تحولات خاورمیانه عربی: حسنی مبارک که در مذاکرات صلح میان فتح و حماس میانجی گری می کرد؛ طرفدار محمود عباس بود و از حماس با شرایطی که مطرح شده بود از جمله پرهیز از خشونت به نوعی حمایت می کرد اما به نتیجه ای این مذاکرات نرسید. اکنون حسنی مبارک از گردونه قدرت مصر خارج شده و عباس حمایتی از جانب این کشور مهم عربی و استراتژیک نمی بیند. پس لازم می بیند که با اتحاد با جنبش حماس بتواند موضع خود را تقویت کند و همچنین اعتبار از دست رفته خود را در میان مردم فلسطین بازیابد. از طرفی حماس هم با شروع تحولات سیاسی در سوریه و احتمال سقوط دولت بشار اسد که حامی این گروه است احساس کرد با سقوط دولت سوریه وی هم حامی خود را از دست بدهد لذا این دو گروه لازم دیدند که با یکدیگر متحد شوند . ۲- اعلام موجودیت دولت مستقل فلسطینی در سازمان ملل: هدفی که جامعه جهانی دنبال می کند. شماری از کشورهای عضو سازمان ملل طی ماههای اخیر و تهدید گروه چهار جانبه کوارتت (آمریکا، روسیه، اروپا و سازمان ملل)، مبنی بر ضرب الاجل پایان ماه مارس ۲۰۱۱ جهت پذیرش صلح از سوی تل اویل نیز در این بین نقش بازی کرد (روزگار ۱۳۹۰/۰۲/۱۱) لذا جناح های فلسطینی به این نتیجه رسیدند که طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل نباید شکست بخورد پس بهتر است برای تشکیل یک دولت فلسطینی متحد شوند. گرچه موانعی چون مشکلات سرزمین و حضور شهروندان فلسطینی در خارج از سرزمین شان وجود دارد. اما برخی از تحلیل گران سیاسی تحولات سیاسی در خاورمیانه را عامل اصلی نمی دانند. دکتر حسین سلیمی در گفت و گو با سایت دیپلماسی ایران معتقد است گروه های فلسطینی دگرگونی فضای جهانی را درک کرده اند و می دانند که با این فضای جهانی برای اولین بار حمایت جهانی و بین المللی در مورد شکل گیری کشور مستقل فلسطینی به وجود آمده است. وی معتقد است که گروه ها و بازیگران فلسطینی احساس کرده اند که در جهان جدید فضایی برای آنها ایجاد شده که در آن می توانند مستقل از بسیاری از قطب بندی های و بلوک بندی های داخلی عمل کنند. قدرت های بزرگ جهان متوجه شده اند که دیگر نمی توانند مانند گذشته تسلط و کنترل بر دولت ها و ملت ها داشته باشند. حضور گروه هاو جنبش های اجتماعی و سیاسی فعال در کشورها و ایجاد فضای مجازی برای فعالیت های اجتماعی؛ نقش تعیین کننده قدرت ها را بر کشورهای جهان سوم کمر رنگ کرده است همچنان که در تحولات خاورمیانه در شمال آفریقا دیدیم. آمریکا، روسیه و اروپا دیکتاتورها را محکوم کردند و خواهان سقوط آنها شده اند.